



بررسی مقررات مسؤلیت مدنی پزشکی و تاثیر نقش زیان دیده در آسیب های درمانی

خلیجیان^۱ فریبا

چکیده

یکی از مهم ترین مباحث حقوق مدنی در جامعه انسانی مسؤلیت مدنی است. به همین علت، تعیین حدود و ثغور رفتار اشخاص از ضروریات جامعه به شمار می آید. موضوعی که از دیرباز در این حوزه مطرح بوده، دخالت زیان دیده و تقصیر او در ورود زیان به او و تأثیر آن بر دعوای مسؤلیت مدنی است. مقاله حاضر، می کوشد تا ضابطه ها و ملاکهای موجود در قوانین مسؤلیت مدنی را با توجه به تنوع و پیچیدگی مشاغل، همچنین بلاحصر بودن مصادیق مسؤلیت مدنی، از حیث نقش زیان دیده، در صدمه بدنی بررسی نماید. و در ضمن آن، میزان تأثیر نقش زیان دیده در مسؤلیت مدنی فاعل فعل زیانبار مورد واکاوی قرار دهد. اهمیت این پژوهش از آنجایی است که در برخی موارد وضعیت و شرایط قبلی زیان دیده از حیث جسمانی، روحی در وارد نمودن زیان به خود نقش آفرین می شود و به نوعی، باعث افزایش خسارت می شود ولی مینای پذیرش خطر و رضایت به تحمل خسارت از ناحیه زیان دیده همچنان نیازمند بررسی است که ضرورت کار تحقیقی و پژوهشی در این خصوص را بیشتر نمایان می کند. روش به کار گرفته شده در این اثر، روش تحلیلی و توصیفی می باشد. نویسنده با تحلیل و توصیف در زمینه جراحی های پزشکی و تدقین مختصری در آنها، سعی در تبیین موضوع می نماید. که نتیجه آن، با توجه به قوانین موضوعه حقوق ایران، جبران خسارت (مادی و معنوی) و صدمه بدنی زیان دیده بدون ضرورت به صدور حکم محکومیت، از طریق بیمه مسؤلیت حرفه ای امکان پذیر خواهد شد و در مورد نقش زیان دیده در صدمات بدنی ناشی از جراحی های زیبایی غیر ضرور، اساساً پذیرش ریسک و اخذ رضایت و یا تحصیل براءت واجد اثر حقوقی به نظر نمی رسد و قاعده اقدام جاری نمی گردد. همچنین در صورت تقصیر پزشک، مسؤلیت محرز می شود که نتیجه ی آن، جبران خسارت در قالب پرداخت دیه و ارش است. خسارات خارج از بحث دیه نیز، مانند هزینه های زاید بر درمان، مطابق مبانی مسؤلیت مدنی، قاعده، قاعده لاضرر و اطلاق قانون در خصوص جبران خسارت، قابل مطالبه خواهند بود.

کلید واژه ها: تقصیر، مسؤلیت مدنی، نقش زیان دیده، رابطه سببیت، صدمه بدنی، میزان مسؤلیت.

مقدمه

هر انسانی نسبت به جسم و جان خود از حقوق اولیه ای برخوردار بوده که طرف قانون به شدت حمایت می شود و تعرض به آن مجازات سنگینی به همراه دارد. منظور از نقش زیان دیده در بروز حادثه، صرف حضور و وجود وی مطرح نیست. اساساً بدون فرض و وجود زیان دیده؛ مسؤلیت مدنی تحقق نمی یابد. لذا عنوان نقش زیان دیده، یعنی در نظر گرفتن تمام فروض دخالت و تأثیر زیان

^۱ دانشجوی کتبی حقوق خصوصی، انشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، fariba_khalijian@yahoo.com



دیده در حوزه ی مسئولیت مدنی. حال آنکه برخی اوقات، زیان دیده، از طریق فعل یا ترک فعل در زیان وارده به خود نقش دارد (صرفنظر از اینکه نظام حقوقی مبتنی بر تقصیر باشد یا نباشد)، در برخی موارد وضعیت و شرایط قبلی زیان دیده از حیث جسمانی و روانی می تواند مطرح باشد که به نوعی، باعث افزایش خسارت وارده به زیان دیده می شود و مبنای پذیرش خطر و رضایت به تحمل خسارت از ناحیه زیان دیده، در نظر گرفته می شود. هر چند که شرایط و خصوصیات خاص زیان دیده نسبت به مسؤلیت مدنی فاعل فعل زیان بار نیز مؤثر است. در موارد قابل توجهی زیان دیده از طریق ایفاء نقش در زیان وارده به خود، مشارکت می نمایند و آنچه موجب قطع رابطه سببیت فاعل فعل زیان بار و فعل زیان بار می گردد این است که زیان دیده قصد اضرار به خویش را داشته و دخالت او در تحقق زیان به عمد بوده است فاعل فعل زیان بار از جبران خسارت معاف می گردد.

احترام به خودمختاری افراد یکی از اصول اساسی اخلاق عمومی بوده و در اخلاق پزشکی تحت عنوان اصل خودمختاری بیمار به منظور بررسی تصمیم های افراد در مراقبت های بهداشتی و خصوصاً در ارتباط با رضایت آگاهانه به کار برده می شود. مسؤلیت مدنی در حقوق ایران به تبعیت از نظر غالب فقهی، مبتنی بر قاعده اقدام و تحذیر است. بر این اساس، بیشتر حقوقدانان مسؤلیت پزشک را نیز با تکیه بر این دو قاعده توجیه نموده اند. نتیجه این امر آن است که پزشک در صورت مباشرت در ورود صدمه به بیمار در هر صورت مسئول شناخته می شود و در صورت تسبیب در ورود زیان، تنها در موردی ضمان را بر عهده دارد که مرتکب تقصیر شده باشد. با تصویب ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تردیدها در تشخیص مبنای مسؤلیت پزشکان پایان داده شد و مسؤلیت مدنی پزشک را مبتنی بر فرض تقصیر وی دانست. طبق بند ۲ ماده ۵۹ همان قانون، اگر پزشک بدون رضایت بیمار اعمال طبی و جراحی روی وی انجام دهد مرتکب جرم شده است. زیرا پزشک متعهد می شود که همه دانش و تجربه خود را به کار گیرد تا نتیجه مناسب حاصل گردد. وقتی پزشک درمان بیمار را متعهد می شود ظاهراً به معنای آن است که در حدود علم پزشکی حداکثر تلاش خود را در جهت نیل به درمان بیمار تعهد کرده است و این به صورت یک قاعده کلی در روابط بین پزشک و بیمار پذیرفته شده است. لذا درمان کامل و شفای بیمار به دست پزشک نیست و همیشه احتمال خطر برای بیمار وجود دارد و در صورت عدم درمان کامل با توجه به اینکه تعهد پزشک تعهد به وسیله است هیچگونه ضمانی متوجه پزشک نمی باشد مگر آنکه مرتکب تقصیر پزشکی شده باشد. حتماً لازم است پزشک نسبت به عوارض احتمالی که جزء لاینفک هر اقدام پزشکی می تواند باشد، از خود رفع ضمان نماید، به عبارت دیگر براءت خود را کسب نماید. در غیر اینصورت مسئول و ضامن خواهد بود. است یعنی هنگامی که ارکان مسؤلیت به وجود آید، مسؤلیت محقق میگردد و بر پزشک جبران ضرری که با خطای خویش ایجاد کرده است واجب میگردد.

هدف نگارنده در این مقاله رسیدن به پاسخی مناسب برای این سوال است که آیا با توجه به سوابق تقنینی و مقررات موضوعه، در موردی که، تقصیر پزشک یا کادر درمانی و نقش زیان دیده پس از بررسی های زیاد در صد قابلیت اثبات و قابلیت رد را مطلقاً ندارد؛ و از طرفی تقصیر و عدم تقصیر آنها نیز به نوعی محتمل می باشد؛ راهکاری می تواند مورد پیشنهاد قرار گیرد، تا هم زیان دیده، مورد حمایت بیشتر قرار گیرد و هم پزشک و کادر درمانی، بلاجهت بدون اثبات تقصیر، محکومیت پیدا نکند؟ همچنین نقش زیان دیده در مورد جراحی زیبایی غیر ضروری، پذیرش خطر، رضایت و براءت نسبت به اقدامات جراحی، که اساساً جراحی پزشکی اطلاق نمی شود، واجد تأثیر و موجب معافیت یا کاهش مسؤلیت جراح اقدام کننده از حیث صدمات بدنی به زیان دیده می باشد یا خیر؟

نتایج حاصل شده نشان داد در صورتی که پزشک در وظایفش مرتکب تقصیر شود، مسؤلیتش محرز می شود که نتیجه ی آن، جبران خسارت است؛ که گاه در قالب پرداخت دیه و گاه در قالب پرداخت ارش، نمود پیدا می کند. خسارات خارج از بحث دیه نیز، مانند هزینه های زاید بر درمان (خسارت معنوی)، مطابق مبانی مسؤلیت مدنی، قاعده «لاضرر» و اطلاق قانون در خصوص جبران خسارت، قابل مطالبه خواهند بود.



بر اساس قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ارزیابی و تعیین میزان تأثیر در تعدد اسباب و تقسیم مسؤولیت مدنی (که نقش زیان دیده می تواند یکی از سلسله اسباب آن باشد) مورد پذیرش و ملاک عمل قرار گرفته است؛ با توجه به سوابق تقنینی در صورت عدم قابلیت رد یا اثبات و انتساب تقصیر زیان دیده و مدعی علیه (خاصه در امور پزشکی) با وضع مقررات مشابه، برخلاف قواعد عام بیمه و تبعی بودن آن، جبران خسارت و صدمه بدنی زیان دیده بدون ضرورت به صدور حکم محکومیت، از طریق بیمه مسؤولیت حرفه ای امکان پذیر خواهد شد. در مورد نقش زیان دیده در صدمات بدنی ناشی از جراحی های زیبایی غیر ضرور و حتی مضر اساساً پذیرش ریسک و اخذ رضایت و یا تحصیل براءت واجد اثر وارزش و اعتبار حقوقی به نظر نمی رسد و قاعده اقدام جاری نمی باشد..

تعاریف و مفاهیم

-تعریف و مفهوم ضرر

ضرر، یکی از ارکان تحقق مسؤولیت مدنی است و به طور کلی بر دو نوع تقسیم می شود: ضرر مادی و ضرر معنوی؛ مقصود از ضرر مادی، ضرر به مصالح مالی که در حیطه دارایی متضرر قرار می گیرد و شامل: نقصان، معدوم شدن، تلف و معیوب شدن تملکات یا صدمات به سلامتی انسان را در برمی گردد. ضرر معنوی، لطمه به حقوق معنوی انسان است که ملازمه با شخصیت انسانی فرد دارد، مانند حق آزادی بیان و عمل، حق فرد در مورد خصوصیات و شهرت و جایگاه اجتماعی و خانوادگی و حرفه ای و حقوق معنوی مانند حق تألیف و حقوق مدنی به معنی تمتع به آنچه خداوند به انسان بخشیده از مزایا و امکانات جسمی و روحی و زیبایی . با توجه به تعاریف مطروحه از مسؤولیت مدنی، برخی حقوق دانان معتقدند؛ بر مبنای چنین مسؤولیتی، رابطه دینی ویژه ای بین زیان دیده و مسؤول به وجود می آید؛ زیان دیده طلبکار و مسؤل، بدهکار می شود و موضوع بدهی، جبران خسارت است که به طور معمول با دادن پول انجام می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۶)

اما در جمع بندی مطالب گفته شده، تعریف ذیل کامل تر به نظر می رسد: مسؤولیت جبران خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل زیان بار اعم از اینکه مبنای آن قانون یا قرارداد باشد و اعم از اینکه فعل مذکور جرم یا جرم محسوب نگردد و یا وظیفه جبران زیان ناشی از اشیاء و حیوانات تحت حراست یا کارگران و یا اشخاصی که شخص، وظیفه مراقبت از آنها را بر عهده دارد. (عباسلو، ۱۳۸۶: ۲۳)

-ضرر بدنی و جانی

ضرر ناشی از صدمات جانی، یکی از مهمترین ضررها است؛ و بدون اغراق می توان گفت اینگونه ضرر به راستی و به واقع جبران ناپذیر است و آنچه از دست رفته، برگشت پذیر نیست و پولی که به عنوان ترمیم پرداخت می شود چیزی جز وسیله ای ناقص برای تسکین و ترضیه خاطر و تخفیف آلام و مصائب نیست و البته این بدان معنا نمی باشد که به جهت عدم قابلیت و سنخیت در جبران خسارت هیچ پرداختی انجام نشود؛ به هر تقدیر، از لحاظ حقوق مدنی الزام به جبران ضرر بدنی و جانی نوعی ضمانت اجرای قانونی برای حق هر انسان نسبت به حیات و تمامیت جسمی خویش است، لطمه به این حق ممکن است برای قربانی زیان جراحات، نقص یا قطع عضو، بیماری، از کار افتادگی و یا بالاتر از همه، ضایعه عظیمی یعنی مرگ را در پی داشته باشد. این خسارات در ماده ۵ قانون مسؤولیت مدنی ذکر گردیده است و سایر خساراتی که ممکن است علاوه بر دیده، مورد مطالبه قرار گیرد عبارتند از:

² اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود وارد کننده زیان مسؤول جبران کلیه خسارات مزبور است دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحد تعیین می نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه چه اندازه و تا چه مبلغ می توان از وارد کننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است اگر در موقع صدور حکم، تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت.



۱- هزینه معالجه ۲- خسارت از کارافتادگی ۳- جبران افزایش مخارج زندگی ۴- خسارت معنوی (طاهری، ۱۳۷۸: ۲۸)

-مسئولیت پزشکی

مسئولیت پزشکی نیز همانند هر مسئولیت دیگری مشتمل بر مسئولیت مدنی و جزایی است و در آثار فقها، از آن به عنوان یاد می شود. هنگام بررسی و مطالعه مسئولیت کیفری پزشکی، باید در خصوص مسئولیت مدنی او نیز سخن «ضمان طبیب» به میان آورد، زیرا در بسیاری از موارد مطابق نظریات فقهی حقوقی ضمان پزشک در برابر بیمار هم جنبه کیفری دارد و هم جنبه مدنی و فقها و حقوقدانان در باب ضمان طبیب یا مسئولیت پزشکی بطور کلی وارد بحث شده اند یعنی از مبانی مشروعیت شروع کرده و مسئولیت مدنی و کیفری را توأمان مورد بررسی قرار داده اند. (عباسی، ۱۳۸۷: ۲۵)

-رابطه سببیت

برای آنکه زیان دیده بتواند خواستار جبران خسارت وارد بر خویش گردد، علاوه بر اثبات وقوع تقصیر یا فعلی از طرف خود خوانده یا از جانب اشخاص یا اشیایی که او پاسخگوی افعال آنها است و ورود ضرر، باید وجود رابطه سببیت و یا به دیگر سخن رابطه علت و معلولی میان این دو را نیز به ثبوت برساند؛ ضروری بودن این شرط از برخی کلمات و عبارات قانونگذار به خوبی آشکار است، و ماده یک قانون مسؤولیت مدنی به این که، شخص مقصر مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد تصریح دارد و ماده ۲ همین قانون نیز اشعار دارد "در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید"؛ بدین نحو اگر وجود این رابطه سببیت احراز نشود خوانده مسؤول به شمار نمی آید. (علم باز، ۱۳۹۲: ۳۱)

-نقش زیان دیده در فقه

نقش زیان دیده در فقه اسلامی، تحت عنوان «اقدام» مطرح شده است. در فقه اسلامی همینکه زیان دیده در ورود زیان و آسیب به خود دخالت، نقش و تأثیر داشته باشد از دریافت خسارت محروم می شود و موجب محرومیت کامل او می شود، و در توجیه آن به اقدام شخص علیه خودش استدلال می شود. چنانچه زیان دیده سبب اصلی و منحصر ضرر، تشخیص داده بشود تقصیر زیان دیده و رابطه سببیت بین تقصیر فاعل فعل زیان بار و ضرر ایجادشده را قطع می کند محرومیت کلی حاکم است در حالیکه مواردی که زیان دیده یکی از اسباب ورود زیان به خود باشد محرومیت کامل نخواهد بود. و اساساً نباید تصور کرد که فقها نیز هر گونه دخالت و نقش زیان دیده در ورود زیان به خود را موجب محرومیت از دریافت کامل خسارت می دانند و در واقع آن انتساب عرفی مهم می تواند راهگشا باشد. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۸۷)

-رضایت بیمار در حقوق ایران

رضایت در لغت به معنی اجازه، رخصت، خشنودی، تسلیم شدن، موافقت و خرسندی آمده است. (معین، ۱۳۶۰: ۱۶۵۹) به تعبیری دیگر رضا در لغت به معنی موافقت و اختیار است و در اصطلاح در معانی زیر بکار رفته است میل قلب است بطرف یک عمل حقوقی که سابقاً انجام یا الان انجام می شود یا بعداً واقع خواهد شد. رضا هم به زمان گذشته و هم به زمان حال و هم به زمان آینده تعلق می

گیرد. رضا را به فارسی خرسندی گویند، منشأ رضا تصور و تصدیق چیزهای موافق طبع آدمی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۳۶)

اگر بعد از صدور فعلی، شخص بدان رضایت دهد، این امر و اعلام رضا را اجازه گویند. اجازه موجب سقوط مسئولیت نیست، بلکه موجب تخفیف مجازات است. اظهار رضایت شخصی که قانون او را شرط تأثیر یا ایقاعی دانسته است که از دکتر لنگرودی در تعریف اجازه می نویسید دیگری (خواه مالک نباشد خواه مالک، اما محجور باشد مانند سفیه) صادر شده است مشروط بر اینکه رضایت مزبور



بعد از عقد یا ایقاعی صادر شود، اگر پیش از آن صادر شود آنرا اصطلاحاً اذن نامند گاهی بطور عام و با تسامح اجازه را اعم از اذن و اجازه به معنی بالا بکار می برند و این استعمال غلط است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۷)

- خسارت معنوی

خسارت به جسم و سلامت شخص آسیب دیده علاوه بر زیان مادی، خسارت معنوی، همانند درد و رنج جسمانی و روحی، نیز به بار می آورد، اینگونه خسارات نیز باید جبران گردند، قربانی زیان برای مطالبه ترمیم ضرر معنوی خویش می تواند به ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی استناد نماید والبته مبلغی که به عنوان ترمیم پرداخت می شود چیزی جز وسیله ای ناقص برای تسکین و ترضیه خاطر و تخفیف آلام و مصائب نیست و هر چند این بدان معنا نمی باشد که به جهت عدم قابلیت و سختی در جبران خسارت هیچ پرداختی انجام نشود. موضوع خسارت معنوی از جمله مباحث پرچالشی است که در اصول، قوانین و مقررات کنونی به لزوم آن تصریح گردیده؛ اما چگونگی جبران و نحوه ی ارزیابی آن تعیین نشده است. در سیستمهای حقوقی کشورهای مختلف راهکارهایی برای جبران خسارت معنوی در نظر گرفته شده؛ اما ملاک و معیار ثابت و مشخصی در باب شیوهه ای جبران خسارت معنوی ارائه نشده است. مبانی حقوق اسلامی و حقوق ایران، قابلیت جبران خسارت معنوی و نحوه ی جبران آنرا اینگونه می توان توجیه و استنباط کرد: قاعده ی «لاضرر» که از مسلمات فقهی می باشد، برای اثبات مسؤلیت مدنی ناشی از خسارت معنوی و روش های جبران آن مورد استناد واقع شده است. علاوه بر قاعده ی لاضرر دلیل دیگر، پیش بینی دیه در مورد صدمات جسمانی منجر به خسارت معنوی می باشد. عقلاً نیز به جبران خسارت معنوی وارد شده بر اشخاص حکم می کنند. در نظام حقوقی ایران نیز خسارت معنوی قابل جبران است. در فقه اسلامی برای جبران ضررهای معنوی، روش شناخته شده ای وجود ندارد، اما شیوه های متداول در حقوق عرفی و موضوعه، در فقه نیز قابل پذیرش به نظر می رسد؛ زیرا روشهای جبران خسارت معنوی، اموری نسبی و برآیندی از اندیشه های حقوقی و اجتماعی هر عصر هستند؛ و از سکوت و عدم ردع شارع می توان رضایت و حکم شرعی را دریافت. بنابراین، پذیرش جبران مالی و انواع جبران های غیر مالی به منظور ترمیم ضرر معنوی در فقه اسلامی قابل توجیه و دفاع است. (نیک فرجام، ۱۳۹۲: ۱۰۵)

- نظریه خطر

در این نظریه، ارتکاب تقصیر شرط مسؤلیت مدنی نیست بلکه هر کسی که بر اثر فعالیت خود خطرهایی ایجاد می کند و موجب زیان دیگری می شود مسئول و ملزم به جبران خسارت وارد شده است. بنابراین شخصی که اتومبیلی را به حرکت درمی آورد و یا کارخانه ای را به کار می اندازد ایجاد خطر می کند و چون از منافع این فعالیت بهره مند می شود ناچار باید ضرری را که از این راه متوجه دیگری می شود تقبل و جبران کند.

علت پیدایش این نظریه آن بود که عامل زیان از شرایط و موقعیت اقتصادی بهتری برخوردار بود و با استفاده از قانون و امکان های خود از مسؤلیت معاف می شد. به علاوه ضوابط تقصیر نیز اغلب غیرمشخص و در مورد هر حادثه ای علل مختلفی داشت. خلاصه آنکه وضع حقوقی و موقعیت زیان دیدگان بسیار بد و آسیب پذیر بود و یک سلسله مشکل ها و نابسامانی های اجتماعی ایجاد می کرد. به همین جهت حقوقدانان به فکر بهبود و اصلاح وضع زیان دیدگان افتادند و به این نتیجه رسیدند که باید تسهیلاتی در امر اثبات قائل شد. در راه اجراء این نیت، قائل به فرض مسؤلیت یا فرض تقصیر شدند و آنرا دارنده شیء خطرناک را مسئول جبران زیان وارد به دیگری دانستند. مطابق نظریه خطر، مسؤلیت مدنی ما به ازاء نفع و فایده و لذتی است که شخص از شیء متعلق به خود یا از فعالیت خود می برد (قانون مدنی فرانسه، شرح و حواشی ماده ۱۳۸۴). در واقع حقوقدانان و دادرسان بدون آنکه مفهوم تقصیر را نادیده بگیرند به جست و جوی قاعده جدیدی پرداختند که مبنای جبران زیان قرار گیرد و این قاعده را چنین بیان داشتند که

³ (La pre' somption de faute)

خسارت باید به کسی نسبت داده شود که سبب وقوع آن شده است. بر پایه این نظریه چنانچه بر اثر عمل شخص یا اشخاص وابسته به او یا اشیاء تحت تصرف او خسارتی به دیگری وارد شود، عامل زیان مسئول به شمار می‌رود و باید از عهده جبران زیان وارد شده برآید مگر آنکه بتواند خلاف آن را ثابت کند.

بنابراین، اصل بر مسئول بودن عامل زیان جاری است و اثبات خلاف آن بر عهده او است. در این صورت بار اثبات از دوش زیاننده برداشته می‌شود و کافی است زیاننده ثابت کند که خسارتی به او وارد شده و این خسارت ناشی از فعل عامل زیان است (اثبات رابطه‌علیت). اما با توجه به آثار مفید اجتماعی که اجراء نظریه خطر دربر دارد و تأمین و حمایتی که از این راه نصیب زیانندگان می‌شود و با توجه به اینکه امروز اکثر صاحبان فعالیت، مسئولیت مدنی خود را در قبال زیانندگان بیمه می‌کنند و امر جبران خسارت‌ها را به عهده شرکت‌های بیمه می‌گذارند، این ایراد قابل رفع است. (کازمی، ۱۳۹۰: ۸۸)

قاعده اقدام

به جهت اهمیت قاعده اقدام در موضوع پایان نامه باید گفت قاعده اقدام کاربرد وسیعی در فقه و حقوق موضوعی دارد. هرچند به عنوان یک قاعده مستقل فقهی و مسقط یا مانع ضمان تبیین نشده است.

از مجموع تعاریف گفته شده، این تعریف از قاعده اقدام کاملتر به نظر می‌آید: «هرگاه شخص بالغ، عاقل و مختاری مبادرت به فعلی مادی یا حقوقی یا ترک فعل یا اظهار سخنی نماید که موجب تضرر خود او (مالاً یا نفساً) گردد و از این امر، قصد وی مبنی بر پذیرش ضرر و رضایت بر تحمل آن یا وجود رابطه علت بین فعل انجام شده یا ترک فعل و خسارت وارده (بالمباشره یا بالتسیب) به واسطه ملازمه عقلی یا اعتباری و حقوقی احراز گردد حسب مورد از جبران تمام یا بخشی از خسارت مزبور محروم خواهد شد. (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۷۸)

قاعده اقدام از طریق عواملی نظیر اتلاف، تسبیب، اذن، رضایت، اعراض نیز تحقق می‌یابد به همین جهت به عنوان یک قاعده مستقل مسقط ضمان یا مانع ضمان می‌تواند مطرح نباشد. در تحریرالوسیله حضرت امام خمینی ترجمه حجت الاسلام سید محمد باقر موسوی، مصادیقی از قاعده اقدام آورده شده و با توجه به اینکه اقدام زیان دیده سبب اصلی و منحصر ورود ضرر تشخیص داده شده، محرومیت تام و کلی بر آن بار شده است^۴ (خمینی، ۱۳۹۰: ۷۵۶)

بیشتر مصادیق اعمال قاعده اقدام مربوط به اثر آن در سقوط ضمان (مسئولیت مدنی) کلی و تام است و زمانی که قاعده اقدام را جاری می‌کنیم ضمان را کلاً از بین می‌برد و مانع می‌شود اما چنانچه به مثال‌ها و مصادیق مطروحه با دقت توجه شود مواردی وجود دارد که به جهت عمد فاعل فعل زیان بار اقدام زیان دیده هیچ اثری ندارد؛ چرا که عامد بودن رابطه علیت عرفی بین خسارت و سایر اسباب که عمد ندارند را از بین می‌برد. بنابراین بامدافه در مصادیق و توجه به اصول و قواعد مسؤولیت مدنی، وضعیت هر موضوع را روشن می‌کند. و همیشه این موضوع مطرح بوده و می‌باشد که از لحاظ تکلیفی انسان در چه حدودی مجاز به اقدام علیه جان و اعضای بدن خود می‌باشد و همچنین علاوه بر حکم تکلیفی (جواز، حرمت، وجوب) از حیث حکم وضعی آن (مسئولیت و ضمان یا عدم آن) چگونه است. (علم‌باز، ۱۳۹۲: ۵۷)

قاعده تحذیر

^۴ مسأله ۱۱... مگر آنکه رهگذر عمداً پای خود را روی آن گذاشته باشد که در این صورت ضامن نبودن صاحبخانه موجه است... اما اگر بدون دعوت یا اذن صاحب خانه داخل شود و سقوط کند و یا به خاطر اذنی که صاحبخانه قبل از حفر چاه به وی داده بود داخل شود و صاحب خانه را هم از ورود خود خبر دار نکند صاحب خانه ضامن نیست.



قاعده دیگری که می تواند در خصوص موضوع پایان نامه علاوه بر قاعده اقدام مطرح باشد قاعده تحذیر یا هشدار می باشد تحذیر در لغت به معنی؛ برحذر داشتن و بیم دادن و کسی را متوجه امری ساختن می باشد و اصطلاحاً اگر کسی قبل از انجام دادن کار یا فعلی هشدار دهد، ولی شنونده به هشدار او توجه نکند و به علت آن کار، جنایتی به نامبرده وارد شود، هشداردهنده مسؤولیتی نخواهد داشت. (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۲۳۵)

قاعده تحذیر هم مانند قاعده اقدام در مقررات موضوعه صراحتاً به عنوان یکی از عوامل رافع مسؤولیت مدنی مطرح نگردیده است اما حسب مورد به جهت قطع رابطه سببیت یا علیت بین فعل یا ترک فعل فاعل فعل زیان بار و ورود خسارت می تواند موجب رفع مسؤولیت از فاعل فعل زیان بار گردد. و در واقع به نوعی قاعده اقدام با قاعده تحذیر درهم آمیخته است و در خصوص حجیت قاعده هشدار به قاعده اقدام استناد می شود و در واقع در خصوص تابلوهای راهنمایی و رانندگی مانند تابلوی عبور عابر پیاده ممنوع و غیره، که یک نوع هشدار تلقی می شود البته نکته ی قابل بحث این است که ممنوع بودن عبور عابر پیاده باید به نحو مؤثر و متناسبی از قبل، علامتگذاری و اعلام شده باشد و قابل تشخیص برای تمام عابرین با هر شرایط و وضعیتی باشد (هشدار لازم و کافی) و در واقع آیین نامه های بهداشت و حفاظت فنی مربوط به کارگاه های ساختمانی و مواد خطرناک و مواد قابل اشتعال و قابل انفجار و حفر چاه های دستی و خطرهای ناشی از پرتوهای یون ساز نیز به نوعی مفاد و محتوای قاعده تحذیر در آن نهفته است هر چند از این قاعده نامی برده نشده باشد (علم باز، ۱۳۹۲: ۵۳)

بدیهی است علاوه بر مؤثر و متناسب بودن هشدار و وصول هشدار به مخاطبین (درک خطر از جانب مخاطبین) که هدف اصلی از هشدار است و همچنین امکان اجتناب از خطر از جمله شرایط اعمال قاعده ی تحذیر، قانونی و مشروع بودن فعل هشداردهنده می باشد. اساساً هشدار برای اعمال غیرقانونی و ممنوع، رافع مسؤولیت هشداردهنده نمی باشد و در واقع عمل حرام به هر نحو که باشد، در صورت وقوع خسارت یا صدمه ضمان آور است. (عباسلو، ۱۳۸۶: ۲۳۲)

البته " شرط اصابت بدون علم" را باید مطرح و لازم دانست، در غیر اینصورت تحذیر او رافع مسؤولیت مدنی و کیفری نمی باشد، هر چند مخاطب هشدار تعمداً از خطر دور نشود باز هم همین حکم جاری به نظر می رسد. در این وضعیت و شرایط می بایست عملیات هشداردهنده متوقف شود و مخاطب را به هر نحو از موقعیت خطر دور سازد. در غیر اینصورت چنانچه صدمه بدنی و آسیب و ضرری، متوجه مخاطب ولو عمداً در موقعیت خطر قرار گرفته و هشداردهنده نسبت به آن آگاه و عالم باشد، احکام عمد بر آن جاری است. وفق تبصره ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی " چنانچه زیان دیده با علم به خطر یا از روی تقصیر وارد منطقه ممنوعه شود، ضمان ثابت نیست اما اگر زیان دیده به هر علتی از ممنوعه بودن مکان آگاهی پیدا نکند، دیه از بیت المال پرداخت می شود."

قاعده تسبیب

قاعده تسبیب از جمله قواعد فقهی مؤثر در باب ضمان است. بر اساس این قاعده اگر شخصی با واسطه سبب ورود خسارت به دیگری شود، در صورت انتساب خسارت به او ضامن خواهد بود. مستندات این قاعده روایات و اجماع است که روایات مربوطه بیشترین نقش را در اثبات قاعده دارند. قاعده تسبیب رابطه تنگاتنگی با قاعده اتلاف دارد. بر اساس قاعده اتلاف اگر شخص به طور مستقیم و مباشرتاً موجب ورود خسارت به دیگری شود، ضامن جبران خسارت است.

همچنین در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است مگر در صورتی که سبب اقوی از مباشر باشد که در این صورت بر اساس قاعده تسبیب، سبب مسئول جبران خسارت خواهد بود. در اینکه آیا اتلاف و تسبیب دو قاعده اند یا دو قسم از یک قاعده، نظریات مختلفی ارائه شده است که در هر صورت چه ما این دو را یک قاعده یا دو قاعده مستقل در نظر بگیریم تمایزاتی بین آنها وجود دارد. از جمله اینکه: در ضمان اتلاف، تقصیر، شرط نیست ولی انتساب شرط است اما در تسبیب، علاوه بر انتساب، تقصیر نیز شرط است. لذا در دعوی مطرح شده تحت عنوان تسبیب، زیان دیده باید علاوه بر اثبات زیان، وجود تقصیر را نیز اثبات نماید.



همچنین در اتلاف همیشه فعل مثبت موجب ورود خسارت است و هیچگاه ترک فعل از مصادیق اتلاف نمی تواند باشد در حالیکه در تسبیب علاوه بر اینکه در اثر فعل مثبت، زیان متوجه غیر می گردد با ترک فعل هم زیان متصور می باشد. (پیلور، ۱۳۸۳: ۶۳)

اصل جبران کامل خسارت

اصل جبران کامل خسارت از اصول مسلم حقوق مسؤولیت مدنی است و اساساً علت نهایی و هدف مسؤولیت مدنی چیزی جز جبران خسارت وارده آمده به زیان دیده نیست و اینکه این خسارت باید به طور کامل جبران شود را باید بدیهی شمرد؛ زیرا نزد هر انسان عاقلی تصور صحیح این امر منجر به تصدیق آن می شود در این راستا احتیاج به اقامه برهان و استدلالی غیرقابل مناقشه است و یک قاعده « اصل جبران کامل خسارت » نیست. بنابراین جایگاه رفیع راهبردی است و در نظام های حقوقی معاصر نیز به عنوان یک قاعده راهبردی، اساس و مبنای ارزیابی و تقویم میزان خسارات وارده و تعیین شیوه جبران آن قرار گرفته است. لذا در درستی و بداهت اصل مزبور اختلافی وجود ندارد و مورد تصدیق همگان و از لوازم قطعی عدالت است. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

اصل برائت

برائت به معنی، پاک شدن از عیب و تهمت، تبرئه شدن، خلاص شدن از قرض و دین، رها شدن و اجازه است (معین، ۱۳۶۰: ۳۷) شرط برائت در حقوق اسلامی از دیدگاه فقیهانی پدید آمده است که به ضمان پزشک قائل شده‌اند و پزشک را در برابر بیمار مسئول هرگونه فعل و خطای خود دانسته‌اند خواه فعل زیان بار ناشی از تقصیر پزشک باشد و خواه پزشک در کار درمان خود مرتکب هیچ گونه تقصیری نشده باشد؛ از این رو برای کاستن از شدت این حکم راه کاری به نام برائت ارائه کرده‌اند. قانونگذار محترم اخذ برائت توسط پزشک را در ضمن مواد ۶۰ و ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی پیش بینی کرده است. برائت قبل از ارتکاب جرم مغایر با اصول حقوقی می‌باشد؛ به نظر می‌رسد این مواد به خاطر مصالح اجتماعی وضع شده است.

علت مغایرت با اصول این است که هنوز هیچ حقی به وجود نیامده و زایل کردن چیزی که به وجود نیامده بیهوده است. برائت قبل از وجود حق امر عبث و مخالف با اصول حقوقی است. ولی با توجه به اینکه هیچ طبیبی در صورت ضامن بوده، جرأت نمی‌کند دست به عمل جراحی بزند و قانونگذار سعی نموده تا مشکل مردم حل شود و در مواردی فوری هم اجازه گرفتن را لازم ندانسته است (اسماعیل آبادی، ۱۳۸۲: ۷۳)

علت مغایرت با اصول این است که هنوز هیچ حقی به وجود نیامده و زایل کردن چیزی که به وجود نیامده بیهوده است. برائت قبل از وجود حق امر عبث و مخالف با اصول حقوقی است. ولی با توجه به اینکه هیچ طبیبی در صورت ضامن بوده، جرأت نمی‌کند دست به عمل جراحی بزند و قانونگذار سعی نموده تا مشکل مردم حل شود و در مواردی فوری هم اجازه گرفتن را لازم ندانسته است.

-برائت از مسؤولیت کیفری

بی تردید مسؤولیت کیفری خارج از چهارچوب قرارداد است و اراده نمی‌تواند در مورد از بین بردن چنین مسؤولیتی مؤثر باشد؛ چون مربوط به نظم عمومی است که اراده در آن راهی ندارد. حال اگر این پزشک جاهل و از پزشک نمایان باشد، که بدون هیچ آگاهی و تخصص و گواهی لازم تنها به قصد سود جویی اقدام به درمان بیماران بی خبر نموده باشد، در اینصورت چه مقصر باشد یا نباشد مسؤولیت او مطلق است. اما اگر پزشک حازق و ماهر باشد گروه زیادی از فقیهان شیعی معتقدند که برائت موجب رفع مسؤولیت کیفری است و پزشک مسؤولیت ندارد پس پرداخت دیه هم موردی ندارد.

-برائت از مسؤولیت قراردادی



اگر پزشکی آگاهانه به بیمار زیان برساند شرط برائت این نوع تقصیر را در بر نمی‌گیرد. زیرا مطابق اصل چهلم قانون اساسی، نظم عمومی قبول نمی‌کند که افراد در پناه نهاد قانونی چون برائت آزادانه به هم نوع نیازمند خویش زیان و ضرر برساند و اخلاق هم حکم می‌کند که چنین رفتاری توسط پزشک مسؤولیت او را به دنبال دارد. (اسماعیل آبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۵)

اصل قابل پیش بینی بودن خسارت در مسؤولیت مدنی قراردادی و قهری

اصل جبران کامل خسارت نمایانگر هدف اصلی و علت غایی حقوق مسؤولیت مدنی است اما اجرای مطلق آن منجر به بی عدالتی هایی می شود که قابل اغماض نیست. و اصل قابل جبران نبودن خسارات غیرقابل پیش بینی، ابزاری مؤثری در جهت رفع برخی از این آثار سوء در دو قلمرو قراردادی و قهری مسؤولیت به شمار می رود. (علم باز، ۱۳۹۲: ۲۱)

-قابلیت پیش بینی خسارت و تأثیر آن در مسؤولیت قراردادی

در واقع در این مسؤولیت مبتنی بر روابط قراردادی، خسارات بعید و با واسطه قابلیت جبران ندارد؛ اما در مسؤولیت قهری، به دلیل اینکه ارتباط طرفین کمتر است؛ بنابراین امکان مطالبه چنین خساراتی بیشتر است در حقوق فرانسه نیز در مسؤولیت قراردادی جبران خسارت، محدود به خسارت قابل پیش بینی است؛ در حقوق ایران نیز، مسؤولیت قراردادی محدود به ضرری است که قابل پیش بینی و در قلمرو انتظار دو طرف باشد.^۵ در قلمرو قراردادی مسؤولیت مقنن در برخی کشورها اصل مزبور را طی یک ماده قانونی مورد تأکید قرار داده اند و حقوق دانان، مبانی مختلفی را در توجیه وجود این اصل بیان کرده اند که هر کدام بخشی از حقیقت را در برمی دارد اما از آن میان مبنای حاکمیت اراده با توجه به اغراق ها و افراط های مکتب اصالت فرد و اجتماعی شدن حقوق قراردادهای در عصر حاضر مفهوم جدید قراردادهای ضعیف ترین و اساساً مبنای علیت محکم ترین به شمار می رود؛ به موجب مبنای اخیر، علت قابل جبران نبودن خسارات قراردادی غیرقابل پیش بینی این است که میان نقض تعهد قراردادی و چنین خسارتی رابطه سببیت عرفی وجود ندارد (سبب متعارف واصلی)؛ بر این اساس اصل مزبور نه تنها متضمن یک مقرر استثنایی نیست بلکه چیزی جز مقتضای رکن عقلی و بدیهی مسؤولیت مدنی، یعنی؛ رابطه علیت بین فعل مرتکب و زیان وارد شده به شمار نمی رود. (عباسلو، ۱۳۸۶: ۲۵۷)

-قابلیت پیش بینی خسارت و تأثیر آن در مسؤولیت قهری

در مواردی که مسؤولیت مطلق می باشد به عنوان مثال مسؤولیت ناشی از غصب و ایادی آن خواننده مسؤولیت جبران خسارت غیرقابل پیش بینی را نیز برعهده دارد و در بقیه موارد صرفاً مسؤول خساراتی است که قابل پیش بینی باشد البته قاعده قبح عقاب بلابیان نیز این امر را تأیید می کند. در حقوق ایران قابلیت پیش بینی خسارت در مسؤولیت قهری را می توان تحت عنوان رابطه سببیت مطرح نمود. گاهی قابلیت پیش بینی زیان، موجب می شود نقش زیان دیده در حادثه زیان بار حذف شود؛ درحالیکه در شرایط عادی به دلیل نقش نامبرده در حادثه، عامل زیان فاقد مسؤولیت می باشد، به عنوان مثال؛ در تعقیب و گریز های پلیسی، فرد تحت تعقیب به دلیل اینکه تحت تأثیر شرایط و اوضاع و احوال خاصی قرار می گیرد و احتمال خطا و اشتباه از سوی وی بیشتر شده و قابل پیش بینی می باشد، در چنین موردی، با توجه به قابل پیش بینی بودن حادثه زیان بار، عامل این قبیل حوادث ضامن خواهد بود. (همان، ۲۵۹)

^۵ ماده ۲۲۱ ق.م در این مورد مقرر می دارد: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسؤول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله ی تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد. در صورتی که خسارت تصریح شده باشد از نظر عرف باید مطالبه چنین خسارتی معقول باشد و در این صورت نیز خسارت به منزله قابل پیش بینی محسوب می گردد.»



همچنین قابلیت پیش بینی حادثه زیان بار در مقررات قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۳۵۷، ۳۵۲، ۳۴۷، ق.م.م. مطرح می باشد. لذا در قلمرو قهری نیز اصل قابل جبران نبودن خسارت غیرقابل پیش بینی با توجه به دو مبنای علیت و تقصیر جریان دارد و استقراء در برخی مواد قانون مجازات اسلامی، قانون تجارت سابقه فقهی و ضرورت استناد محاکم به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر در صورت نبودن قوانین مدونه وجود آن را در حقوق ایران تأیید می کند و معیار تشخیص غیرقابل پیش بینی بودن خسارت، همانند دیگر ضوابط و مفاهیم حقوق مدنی، عرفی و نوعی است و در این راستا، سیر متعارف و طبیعی امور از منظر انسانی متعارف و معقول در همان شرایط حادثه مورد بررسی قرار می گیرد. و اصل قابل جبران نبودن خسارات غیرقابل پیش بینی؛ مطلق نیست و مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه یا از قواعد آمره به شمار نمی رود لذا اشخاص ذی نفع نیز می توانند بر لزوم جبران خسارت غیرقابل پیش بینی توافق کنند که در این صورت تعهد به جبران خسارات مزبور نه از باب مسؤولیت مدنی بلکه صرفاً نوعی تضمین خواهد بود. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۲۱۳)

فقهها در آثار خود به صورت جزئی و مصداقی راجع به این مسأله سخن گفته اند عده ای از ایشان غیرقابل پیش بینی بودن خسارت را سبب معافیت مرتکب فعل زیان بار از پرداخت خسارت دانسته اند و در واقع عدم قابل پیش بینی بودن خسارت، رابطه سببیت را قطع می کند و آن را موجب عدم تحقق رابطه سببیت عرفی میان فعل شخص و تلف می دانند و به همین دلیل، وی را از ضمان میرا به شمار می آورند. در خصوص تقصیر مشترک در فرضی که هر دو طرف زیان دیده و فاعل فعل زیان بار مرتکب تقصیر شده باشند؛ رویه قضایی در برخی کشورها قائل به تقسیم مسؤولیت است و موجب تخفیف میزان مسؤولیت فاعل فعل زیان بار می گردد و این نظر با توجه به قاعده ی اقدام در حقوق ایران نیز پذیرفتنی است. (دمیرچی، ۱۳۷۹: ۷۵۶)

رابطه سببیت بین اقدام زیان دیده و زیان ایجاد شده

شرط اساسی برای تأثیر اقدام زیان دیده بر مسؤولیت مدنی عامل زیان، اینست که بین اقدام او و زیان ایجاد شده، رابطه سببیت وجود داشته باشد. مبنای این شرط، همانست که در مسؤولیت مدنی به معنای عام وجود دارد. زیرا شرط اساسی ایجاد مسؤولیت مدنی، رابطه سببیت است و این یک قاعده عقلی و مسلم است و نیاز به استدلال ندارد. شرط دیگر تأثیر اقدام زیان دیده، اینست که، عمل او تحت تأثیر عامل زیان صورت نگرفته و ناشی از آن نباشد. به عبارت دیگر تقصیر یا اقدام خطر ساز عامل زیان موجب و محرک اقدام (یا تقصیر) زیان دیده نباشد. هنگامی که شخصی در اثر تقصیر یا اقدام خود، دیگری را در موقعیت خطرناک قرار می دهد، و او برای فرار از خطر اقدامی انجام می دهد، اما در نهایت نه تنها اقدام او موجب رهایی او از خطر نمی شود، بلکه سبب ورود زیان به او شده و ثابت می شود که اگر او اقدامی نمی کرد، زیانی واقع نمی شد. در فقه اسلامی نیز می توان چنین دیدگاهی را از برخی فروع فقهی استنباط کرد. علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام فرعی می نویسد: هرگاه شخصی، دیگری را در آتش اندازد... او قادر به خروج از آتش نباشد مگر اینکه خود را در آبگه عمیقی که در جوار آن قرار دارد بیندازد و این کار را بکند و در آب غرق شود؛ در اینکه ضمان آن برعهده چه کسی است (کسی که او را در آتش افکنده یا خود او که خود را در آب انداخته است) اشکال وجود دارد. ایشان در ادامه می نویسد: قول اقرب به واقع اینست که کسی که مجنی علیه را در آتش افکنده است، ضامن است؛ زیرا او با این کار، قربانی را در وضعیتی قرار داده، که حیاتش متزلزل شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۸۵)

در حقوق ایران در این خصوص وجود ندارد. در دکتترین نیز این مسأله مطرح نشده است. اما با توجه به سابقه موضوع در نظامهای حقوقی خارجی و فقه اسلامی، باید همین نظر را تأیید کرد. در توجیه آن باید گفت، در فرضی که اقدام زیان دیده یکی از اسباب ورود زیان تلقی می شود، چون اقدام او در آن اوضاع و احوال متعارف و معقول است، او مرتکب تقصیر نشده است؛ از سوی دیگر عامل زیان که او را در آن وضعیت خطرناک قرار داده است، مرتکب تقصیر شده است، پس او باید مسئول خسارت ایجاد شده

باشد. زیرا چنانکه بارها گفته شده است هرگاه در وقوع زیان دو سبب دخالت داشته باشند که یکی از آن ها مرتکب تقصیر شده و دیگری تقصیری مرتکب نشده باشد، فرد مقصر، مسئول است.^۶

شرط دیگر برای تأثیر اقدام زیان دیده بر مسؤولیت مدنی عامل زیان، اینست که عامل زیان در ایجاد زیان عمد نداشته باشد. در صورتی که عامل زیان عمداً به زیان دیده خسارت برساند، اما زیان دیده عمد نداشته باشد، حتی اگر مرتکب تقصیر شده باشد، تقصیر او هیچ تأثیری بر مسؤولیت عامل زیان ندارد. به طریق اولی اقدام غیر تقصیری زیان دیده بر مسؤولیت عامل زیان بی تأثیر است. این حکم این گونه توجیه می شود که وقتی یکی از اسباب ورود زیان عمد دارد، عرفاً انتساب زیان به او قوی تر از انتساب آن به سبب دیگر است. این حکم در تمام نظام های حقوقی دنیا وجود دارد. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

مسؤولیت مدنی ناشی از اقدامات پزشکی

این مسؤولیت ناشی از فعل مستقیم و بلاواسطه زیان بار از حیث مباشرت؛ از جمله اقدامات جراحی های طبی و درمانی (هرچند فعل مثبت می تواند گاهی بطور مستقیم و گاهی به نحو غیر مستقیم (سبب) نیز مطرح باشد) است در چنین مواردی طبق قاعده کلی مسؤولیت مدنی، زیان دیده می تواند سبب باشد و زیان زنده مباشر، تنها مباشر مسئول است؛ زیرا اقوی از سبب است و ورود زیان عرفاً تنها به فعل او مستند می باشد.^۷ قانون مدنی و قانون مسؤولیت مدنی ۱۳۳۹ به قواعد عمومی مسؤولیت مدنی پرداخته و به طور خاص به مسؤولیت مدنی پزشک اشاره ای نشده؛ در حالی که بخشی از مواد قانون مجازات اسلامی به مسؤولیت پزشکی اختصاص داده شده است طبق بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء و سرپرستان با نمایندگان قانونی آنها با رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود، جرم محسوب نمی گردد، لذا فعل پزشک چه تقصیر آمیز باشد؛ یا نباشد؛ چنانچه اذن هم داشته باشد، می تواند دارای مسؤولیت مدنی است و تأثیر اذن صرفاً در رفع مسؤولیت کیفری می باشد. (رشیدی، ۱۳۹۰: ۴۵۵)

این در حالی است که براساس تحولات قانون جدید مجازات اسلامی مبنای مسؤولیت پزشکی، تقصیر مفروض (فعل یا ترک فعلی که قانوناً آثار تقصیر بر آن مترتب باشد) مورد پذیرش مقنن قرار گرفته و پزشک در خصوص خسارات ناشی از اقدامات درمانی و معالجاتی بعمل آمده مقصر فرض می شود اما چنانچه عدم تقصیر خود رادر محاکم قضایی اثبات نماید ضامن نخواهد بود طبق ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن؛ پزشک در معالجاتی که منجر به تلف و صدمه بدنی می شود، چنانچه مشمول هریک از موارد مصرحه باشد ضامن دیه نیست.^۸

کلمه " قصور " و " تقصیر " در کنار هم به کار رفته، که ظاهراً مترادف به نظر می رسند در حالی که استعمال کلمات مترادف در قانون نویسی منع شده است. قصور در لغت مصدر و به معنای عجز، کاستی، ناتوانی و تقصیر است و در فقه؛ ترک قانون الزامی بدون تسامح می باشد و " تقصیر " در لغت مصدر باب تفعیل از ریشه " قصر " به معنای کم کار کردن، کاستن، کاستی در میان آوردن و اهمال است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

^۶ ماده ۳۳۶ ق.م.ا.و ماده ۳۳۵ ق.م.

^۷ ماده ۳۳۲ قانون مدنی بیان می دارد: هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر این که سبب، اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.

^۸ عمل مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی ۲. اخذ براءت از بیمار قبل از معالجه و عدم ارتکاب تقصیر ۳. بدون اخذ براءت و عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل.



در فقه به هر گونه کم کاری در نگاهداری مال که مسؤولیت آن را عرف، قانون و یا قرارداد بر عهده کسی گذاشته است تقصیری گویند و فقیهان و حقوقدانان برای احراز این امر سه معیار قانون، عرف، قرار داد و توافق را بیان کرده اند و در باب مسؤولیت مدنی اعم از تعدی و نفریط است. چنانکه در ماده ۹۵۳ ق. م. آمده است پس تقصیر هم به فعل است و هم به ترک فعل، و ممکن است عمدی و غیر عمدی باشد مسؤولیت (ضمان) ناشی از تقصیر را مسؤولیت تقصیری گویند. مفهوم قصور پزشکی در اصطلاح حقوقی نیز ترک یک قانون الزامی توسط پزشک یا یکی از صاحبان حرف پزشکی، که در نتیجه اقدامات تشخیصی و درمانی آن موجبات خسارات جانی و مالی بیمار فراهم شود اطلاق می شود به عنوان مثال؛ یکی از مصادیق آن، اقدام به عمل جراحی بیمار بدون انجام آزمایشات اولیه که منجر به صدمه و خسارات به بیمار شده باشد. آنچه می توان گفت واژگان تقصیر و قصور در قوانین ما تعریف نشده است شاید دلیل این امر وجود مصادیق فراوان آن باشد تا جایی که دادن تعریفی جامع و مانع به سادگی میسر نیست. مقنن آثار برائت را نیز تنزل داده است و چنانچه پزشک قصور یا تقصیر در علم و عمل نداشته باشد و یا عمل مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی انجام داده باشد، وجود برائت و یا عدم آن در ماهیت امر تأثیری ندارد و به نظر می رسد بار اثبات تقصیر، در صورت عدم وجود برائت بر عهده پزشک و در صورت اخذ برائت بر عهده بیمار یا اولیاء دم متوفی خواهد بود. در نظام حقوقی ایران، شرط لازم برای مسؤولیت ناشی از ترک فعل، تقصیر است و در اکثر موارد، تقصیر زمانی محقق است که شخصی عهده دار وظیفه ای باشد چه قانونی و چه قراردادی و از انجام آن امتناع نماید؛ چرا که هر چند در متن ماده قانونی به وظیفه خاص قانونی تصریح شده، اما با توجه به نمونه مثال های آن؛ به نظر می رسد شامل وظایف قراردادی نیز می شود. (عباسلو، ۱۳۹۱: ۱۵۲)

طبق مقررات قانون مجازات اسلامی سابق زمانی که تقصیری متوجه پزشک و درمانگر باشد اثری بر برائت تحصیل شده مترتب نبوده و پزشک را از مسؤولیت مبری نمی کرد و از آنجا که در مفهوم تسبیب، تقصیر مستتر می باشد با توجه به اینکه ترک وظیفه، تقصیر محسوب می شود و مسؤولیت ناشی از ترک فعل در اعمال پزشکی همواره به عنوان تقصیر می تواند مطرح باشد لذا اخذ برائت تأثیری در مسؤولیت ناشی از ترک فعل نمی تواند داشته باشد این درحالی است که طبق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی نیز ترک وظیفه قانونی پزشک؛ علاوه بر مسؤولیت مدنی دارای مسؤولیت کیفری حسب مورد عمدی، شبه عمدی می باشد.

نقش رضایت بیمار در سقوط مسؤولیت مدنی پزشک

در مواد ۱ تا ۳ و همچنین ۵ و ۶ قانون مسؤولیت مدنی ایراد ضرر به دیگری را در صورت تقصیر و خطا و یا از روی عمد منجر به جبران خسارت ذکر نموده است. البته شایان ذکر است که مواردی که پزشک ضرر یا صدمه ای به بیمار وارد آورد ولی مرتکب تقصیر و خطایی نشده باشد و قبل از درمان هم اخذ رضایت نموده باشد، ضامن جبران ضرر نخواهد بود. در مورد نقش رضایت بیمار در ضمان پزشکی که بر اثر خطا باعث ایراد خسارت جسمی به بیمار شده است باید قائل به تفکیک شد رضایت هم به زمان گذشته و هم به زمان حال و هم به زمان آینده تعلق می گیرد. و لازم به ذکر است که رضایت هم بر ماهیت جرم طبیب و هم بر مقدار مجازات وی موثر است. زایل می کند. در این حال جرم علی الاصول تحقق نمی یابد و اساساً موردی برای توجیه عمل مجرمانه باقی نمی ماند. گاه این رضایت شرط لازم و اباحه ی ناشی از اجازه قانون و عرف است. در خصوص رضایت مجنی علیه به عنوان شرط اباحه عمل، گاه رضایت مجنی علیه بدون آنکه یکی از عناصر جرم را زایل کند، سبب رفع تقصیر و معافیت از مجازات می شود. در این صورت، رضایت مجنی علیه شرط مشروعیت عمل و عدم تقصیر مرتکب و نه علت تامه آن محسوب می گردد مشروعیت عمل مبتنی بر اجازه قانون است که در مقررات کیفری کشور ما نسبت به مداخله طبیب در درمان بیمار و عملیات ورزشی صراحتاً صادر شده است. این رضایت که بیان شد در واقع رضایت قبل از انجام معالجه و درمان بیمار است که در شرایط عادی از وی یا اولیای قانونی وی اخذ می گردد. به نظر می رسد رضایت قبل از درمان بر ضمان پزشکی که مرتکب خطا گردیده است خواه آن خطا بی احتیاطی، بی مبالائی و یا عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات دولتی باشد، و این خطا منجر به ایراد صدمه ای جسمی به بیمار شده باشد،

تائیری نخواهد داشت چرا که بیمار رضایت به درمان داده و پزشک را از ضمان خطرات ناشی از درمان معاف کرده بدین شکل که پزشک همه ضوابط علمی و قانونی را در درمان رعایت کند نه در صورتی که پزشک مرتکب بی احتیاطی، بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی شود یا اینکه در انجام درمان و معالجه مهارت کافی را نداشته باشد. بنابراین رضایت بیمار در ضمان پزشکی که مرتکب خطا در درمان و معالجه گردیده تائیری نخواهد داشت. (عبدالله نژاد، ۳۷: ۱۳۹۶)

نوع دیگر رضایت بدینگونه است که اگر بعد از صدور فعلی، شخص بدان رضایت دهد، این امر و اعلام رضا را اجازه گویند. اجازه موجب سقوط مسؤولیت نیست، بلکه موجب تخفیف مجازات است. بنابراین با توجه به آنچه در بالا بیان شد مبنی بر اینکه رضایت بیمار قبل از شروع به معالجه و درمان بر ضمان پزشکی که مرتکب خطا و تقصیر در انجام درمان شده و این خطا و تقصیر وی منجر به ایراد صدمه جسمی بر بیمار گردیده تائیری ندارد و پزشک ملزم به جبران صدمه وارده خواهد شد، حال اگر بعد از درمان و ایراد خسارت و زمانی که پزشک مرتکب خطا گردیده و ضمان وی اثبات گردیده، بیمار به وی رضایت دهد، این رضایت خطا و قصور پزشک را مباح نمی گرداند و وی به نسبت نوع صدمه وارده مرتکب تقصیر و یا جرم گردیده است اما این رضایت بر میزان مجازات یا ضمان وی تائیر خواهد گذاشت و منجر به تخفیف مجازات یا ضمان وی خواهد شد. (طاهری، ۱۳۷۸: ۲۸)

چند نمونه از نقش زیان دیده در صدمات بدنی ناشی از درمان پزشکی

از آنجا که طرح سوال و جواب در این حیطة بی حد حصر است و امکان بررسی همه آنها در این مقال نمی گنجد، لذا به چند موردی که بیشترین مبتلا به را در این حوزه به خود اختصاص می دهد، می پردازیم:

۱- در صورتی که بیمار نسبت به درمانش اعلام مخالفت می کند، آیا پزشک یا مرکز درمانی بنا به تکلیف معالجه به نجات بیمار باید به خواست بیمار احترام گذارد یا خیر؟ اگر پزشک یا مرکز درمانی بنا به خواست و اراده بیمار، درمان و معالجه را نسبت به وی انجام ندهد و منجر به صدمات بدنی و احیاناً فوت وی گردد، نقش چگونه خواهد بود؟ به نظر میرسد از آنجا که انسان، مالک بدن خود نیست و تنها نسبت به آن حق انتفاع معقول و متعارف را دارد^۹، بدین معنی که انسان حق خودکشی ندارد. حال اگر بیماری که به مرکز درمانی و پزشک مراجعه کرده دچار بیماری است که در صورت عدم بستری، منجر به فوت وی خواهد شد، آیا پزشک حق و

یا حتی تکلیف دارد وی را اجباراً در همان محل مطب یا مرکز درمانی نگاه دارد و جلوی خروجش را بگیرد تا به این وسیله نجات دهنده جاننش باشد؟ پر واضح است که چنین امری برای پزشک تکلیف "مالا یطاق" خواهد بود. مضافاً اینکه وقتی بیمار همکاری نمی کند، چون لازمه درمان حداقل همکاری دو سویه پزشک و بیمار است، در این فرض رابطه یک سو با وجود مخالفت بیمار فرآیند درمانی را بی تائیر خواهد نمود؛ لذا به نظر میرسد تکلیف پزشک تنها تفهیم آثار و عوارض امتناع بیمار از پذیرش درمان آنهاست به نحو مستند حسب مورد در حضور شهود و همراهان بیمار باشد. اما مواردی ممکن است پیش آید که اعلام مخالفت بیمار با درمان قبل از بیهوشی و وخامت حال وی بوده و در چنین مواردی پزشک بدون اعتناء به مخالفت بیمار، باید اقدام به معالجه وی نماید.

۲- فرض دوم، حالتی است که بیمار به واسطه شکستگی در قسمتی از بدن به پزشک ارتوپد مراجعه کند و پزشک آن قسمت را گچ بگیرد. و به بیمار توصیه کند در صورت بروز علائم کبودی و درد سریعاً مراجعه کند. از طرفی خود پزشک هم بطور دقیق در امر گچ گیری مهارت لازم را به خرج نداده باشد. پس از مدتی این علائم به سراغ بیمار بیاید و بیمار بدون توجه به چنین علائمی از

^۹ بر اساس آیه شریفه "لاتلقوا بادیکم الی التهلکه" (سوره: البقره، آیه ۱۹۵)



مراجعه خودداری می ورزد و از بین رفتن نسوج بافتی و قطع عضو می شود؛ در اینجا زیان دیده به جهت عدم توجه به هشدار پزشک متخصص

مراجعه ننموده است و مرتکب تقصیر نسبت به خود شده است، اما از طرفی گچ گیری صحیح نبوده است، پزشک متخصص باید پس از گچ گیری مدت مناسبی بیمار را تحت نظر قرار میداد و توصیه به مراجعه، رافع مسؤولیت پزشک نمی باشد. و در اینجا زیان دیده (بیمار) می تواند نسبت به مطالبه تمامی خسارات وارده علیه پزشک اقدام نماید.

۳- دستور پزشک معالج به تجویز داروهای آنتی بیوتیک برای کنترل عفونت ترخیص می گردد اما بیمار بدون توجه به این امر از خوردن داروهای آنتی بیوتیک خوراکی یا احیاناً عضلانی خودداری می کند؛ چنانچه عواقب و عوارض آن به بیمار تفهیم شده باشد و دوره ی تزریق آنتی بیوتیک خود را نیز در مراکز درمانی دریافت نموده باشد، به نظر می رسد مسؤولیتی متوجه بیمارستان و پزشک نباشد.

۴- چنانچه زیان دیده با داشتن علائم سکته قلبی و وضعیت اورژانسی مرکز درمانی یا مطب پزشک را پس از مراجعه بدون توجه به توصیه پزشک و کادر درمانی ترک کند و منجر به آسیب و صدمات بدنی و فوت گردد، خود اقدام به زیان و صدمه بدنی نموده است و مسؤولیتی متوجه پزشک و کادر مرکز درمانی نخواهد بود. اما نکته مهم این است که بیمار حق اطلاع از تشخیص نوع بیماری، انتخاب شیوه درمان و بیان منافع و خطرات معالجه را و حق برگزیدن یکی از اطباء متخصص و یکی از شیوه های گوناگون درمانی را دارا می باشد، اما باید آگاهی های لازمه از هر حیث به بیمار با توجه به وضعیت و شرایط وی داده و در جهت اثبات آن مستندسازی شود؛ لذا چنانچه احراز گردد که آگاهی های لازم و در خور فهم به بیمار و همراهان وی داده نشده است و اقدام بیمار به ترک بیمارستان و عدم ادامه فرآیند درمانی وی ناشی از عدم آگاهی کافی بوده است، زیان دیده حق مطالبه کلیه خسارات وارده را خواهد داشت. (عباسی، ۱۳۸۳: ۱۱)

نقش زیان دیده در صدمات بدنی ناشی از جراحی های زیبایی:

اساساً از آنجا که اعضا و جوارح و جان انسان ها موهبت الهی است، انسان حق ندارد که به اعضا و جوارح و جان خود تحت هر عنوانی صدمه و آسیب برساند. درمان و اقدامات پزشکی در راستای حفظ و ارتقاء سلامت انسان مورد تجویز و شرط عدم مسؤولیت و یا اخذ

برائت در خصوص امر پزشکی نیز به همین مناسبت مورد پذیرش قرار گرفته است که البته برائت زمانی محقق است که مقررات پزشکی و موازین فنی از ناحیه درمانگر انجام شده باشد و تقصیری مورد ارتکاب قرار نگرفته باشد و الا در صورت وجود تقصیر، اثری بر برائت مبنی بر رفع مسؤولیت درمانگر مترتب نمی باشد. مضافاً اینکه ماده ۴۵۹ قانون مجازات « نسبت به واژه تصریح دارد که البته در خصوص جراحی های زیبایی که نسبت به اشخاص در جهت ترمیم و اعاده وضع به سابق مطرح می باشد، نیز مصداق پیدا می کند.

قبل از ورود به این مقوله باید تعریف بیماری را دانست؛ در حقیقت بیماری نقطه مقابل سلامتی است و اختلال در اندام ها، یا فعالیت های بدن همین طور فعالیت های جسمانی، روانی و اجتماعی به نحوی که همراه با علائم و نشانه های بالینی یا تحت بالینی باشد. ممکن است برای فردی از طریق غربالگری تشخیص سرطان داده شود در حالیکه هیچ گونه علائمی ندارد در اینجا بدون اظهار هیچگونه ناراحتی این فرد مبتلا به بیماری است و بالعکس ممکن است فرد علائمی را اظهار کند ولی در بررسی های بیشتر مشخص شود که هیچگونه عارضه ای ندارد. بالاخره ممکن است فردی، علائمی را اظهار کند و بعد از تجسس بیشتر مثلاً انجام آزمایشات، بیماری وی ثابت شود. (پارسایی، ۱۳۹۳: ۱۴۷)



با توجه به تعاریف و توضیحات یاد شده، بیماری به معنای خاص مورد نظر می باشد، نه احساس بیماری. بدیهی است که همه جراحی ها عوارضی دارند، و ساده ترین عارضه عمل جراحی، برش پوست است. داروهای بیهوشی ممکن است در طول عمل مشکل آفرین شود جان بیمار را به خطر اندازد. حتی ممکن است، نتیجه عمل در اثر عفونتی ساده تغییر کند. در جراحی های زیبایی، غیر ضروری با وجود این که فرد از هر جهت سالم و متعارف است؛ ولی قصد دارد تغییری در ظاهر خود ایجاد کند و تصور می کند این تغییرات سبب بهبود کیفیت زندگی اومی شود. به خاطر همین، به چنین فردی بیمار گفته نمی شود، بلکه به او، مراجعه کننده می گویند. اساساً جراحی پلاستیک که از رشته های پیچیده علم پزشکی است که در جای خود می تواند معایب ظاهری ناشی از تصادفات یا سوانح سوختگی افراد را بر طرف نماید. می شناسد که البته واژه ی صحیحی « جراحی زیبایی » امروزه مردم این جراحی را تحت عنوان در علم پزشکی نمی باشد. جراحی های ترمیمی و پلاستیک که در راستای ترمیم سوختگی های اعضا بدن انجام می پذیرد، به لحاظ اطلاق "بیماری" به آن، در مقوله پزشکی قرار می گیرد؛ و در این موارد، تحصیل براءت و رضایت بیمار، دارای تأثیر بوده و نسبت به او قاعده اقدام جاری است. اما در جراحی زیبایی غیر ضروری که متاسفانه در جوامع رو به فزونی است و حتی برخی جراحان ترمیمی نیز با استفاده از تبلیغات تجارت گونه احساس نیاز کاذب به انجام آن را در افراد جامعه دامن می زنند صرف نظر از مشروع تلقی شدن یا نشدن آن از ناحیه شرعی از آنجا که فرد مراجعه کننده برای عمل جراحی زیبایی غیر ضروری بیمار تلقی نمی شود، اساساً رضایت و براءت تحصیل شده از ناحیه جراح پلاستیک که صرفاً در مقوله معالجات و درمان بیماران دارای اثر می باشد در چنین اقداماتی فاقد اثر می باشد و جراح پلاستیک اقدام کننده، با توجه به صدمات بدنی اجتناب ناپذیر آن نیز دارای مسؤولیت مدنی می باشد. یعنی پزشک باید اقداماتش در حوزه معالجه و درمان بیمار باشد. در حالی که فرد مراجعه کننده، الزاماً بیمار تلقی نمی شود و نیاز به معالجه ندارد تا تحت معالجه طبی یا جراحی قرار گیرد. ممکن است برخی در دفاع از جراحی غیر ضروری، وجود احساس رضایت را قابل طرح بدانند و اینکه، مراجعه کننده با اقدام به عمل جراحی زیبایی و تغییر در عضو خود (هر چند قبلاً از هر حیث متعارف و متناسب بوده باشد) احساس رضایت بیشتری خواهد کرد و برای رسیدن به این احساس رضایت بخش، می تواند موضوع جراحی زیبایی غیر ضروری توجیه شود. اما به نظر می رسد از حیث جنبه مسؤولیت مدنی جراح پلاستیک، با توجه به صدمات بدنی ایجاد شده، دارای مسؤولیت بوده و آثاری بر براءت و رضایت وی به لحاظ عدم اطلاق بیمار به زیان دیده، مترتب نبوده و قاعده اقدام نیز نسبت به آن جاری نیست و جبران خسارات وارده از جراح پلاستیک در محاکم قضایی قابل مطالبه می باشد، حتی اگر جراح پلاستیک، تقصیری مرتکب نشده باشد. (احمدی، ۱۳۸۷: ۴۹)

درخواست از جراح زیبایی برای انجام جراحی زیبایی غیر ضروری به جهت اینکه جان و اعضای انسان موهبتی الهی است و انسان مالکیتی نسبت به آن ندارد مضافاً اینکه انسان از به هلاکت افکندن خود منع شده است^{۱۰}. و به هیچ وجه نمی توان چنین رضایتی را مجوز چنین اقدامی برای جراح تلقی نمود و قاعده اقدام در این خصوص جاری نیست و مسؤولیت کیفری و مدنی پزشک حسب مورد محقق خواهد بود. بنابراین علاوه بر حکم تکلیفی حرمت چنین اقدامی، از حیث حکم وضعی، رافع مسؤولیت فاعل فعل زیان بار نمی باشد؛ مگر اینکه زیان دیده، جراح را به چنین اقدامی مجبور نماید که البته در غیر قتل، رافع مسؤولیت وی بوده و چون قاعده اقدام جاری است، مسؤولیت مدنی هم نخواهد داشت. (پارسایی، ۱۳۹۳: ۱۵۰)

ضرورت جبران خسارت مادی زیان دیده

¹⁰ به حکم آیه شریفه: لا تقتلو انفسکم (سوره: النساء آیه: ۲۹)



جبران خسارت زیان دیده ممکن است به دو صورت انجام پذیرد؛ ممکن است که وضع زیان دیده به وضع پیشین خود برگردد. این معنی که ضرر وارد شده به گونه ای جبران شود که گویی از قبل زبانی وارد نیامده است یا جبران خسارت از راه دادن معادل انجام گیرد. بدین گونه که چون اعاده ی وضع به صورت پیشین امکان ندارد، ارزش معادل آنچه که از دست رفته به دارایی زیان دیده افزوده می شود. هرچند بحث از زیان های بدنی در حقوق اسلام تحت عنوان دیه آورده شده است، اما به نظر می رسد همانند سایر نظام های حقوقی، بحث زیان های بدنی از مباحث مسؤلیت مدنی و جبران خسارت است. هرچند در بعضی موارد ممکن است جنبه ی کیفری نیز داشته باشد. در خصوص اینکه دیه مجازات است یا جبران خسارت، بین حقوق دانان اختلاف است. بحث از ماهیت دیه صرفاً یک بحث نظری نیست؛ بلکه ثمره عملی نیز بر آن مترتب است.

اگر دیه را مجازات بدانیم باید برای پرداخت کننده ی آن مسؤلیت کیفری قائل شویم. در اینصورت دیه صرفاً نوعی مجازات در برابر جرم است و خسارت ناشی از جرم را در بر نمی گیرد و زیان دیده می تواند علاوه بر دیه تمام خساراتی را که متحمل شده است اعم از مالی و غیرمالی به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم مطالبه کند. اما اگر دیه را نوعی جبران خسارت بدانیم، زیان دیده حق ندارد زائد بر آن را مطالبه کند. زیرا هرکس فقط یک بار می تواند تقاضای جبران خسارت نماید. همچنین مسؤلیت کیفری و مجازات قابل بیمه کردن نیست. اما امروزه شرکت های بیمه با افراد قرارداد بیمه را منعقد می کنند. با توجه به دلایل گفته شده، می توان گفت که دیه مجازات نیست. از این رو شخص زیان دیده نمی تواند در کنار دریافت دیه تقاضای ضرر و زیان ناشی از جرم نماید. با وجود تمام دلایل ارائه شده در خصوص اینکه دیه مجازات نیست، به مواردی بر می خوریم که بیشتر شبیه مجازات است تا جبران خسارت. برای مثال اگر دیه خسارت است پس چرا مقدار خسارت مقطوع و معین شده است و بیشتر اوقات دیه با حجم خسارت برابری نمی کند؟ هم چنین اگر دیه خسارت مجنی علیه است، پس چرا با مجازات جمع نمی شود و اولیای دم نمی توانند در کنار دریافت دیه به عنوان خسارت ناشی از جرم، تقاضای تقاص یعنی مجازات نمایند؟ بنابراین با توجه به موارد فوق، دیه نمی تواند صرفاً جبران خسارت باشد. بلکه دارای دو چهره است و با توجه به این چهره ی دو گانه، مجنی علیه می تواند در صورت عدم کفایت دیه بر جبران خسارت ناشی از جرم، تقاضای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را از دادگاه نماید. دادگاه نیز مکلف است براساس قواعد اتلاف، تسبیب، لاضرر، رأی به پرداخت مازاد بر دیه بدهد. (اشرف زاده، ۱۳۹۷: ۱۸۵)

ضرورت جبران خسارت معنوی زیان دیده در حقوق

وصف تندرستی بدن انسان، شادابی، حیثیت و آبروی شخص، سلامت روح و روان، حرمت و شأن اجتماعی و بسیاری از امور غیر مالی دیگر که به شخصیت انسان بر می گردد، نه تنها از لحاظ شرعی محترم است بلکه از لحاظ بنای عقلا و حکم عقل نیز تجاوز به این امور جایز نیست. از این رو شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی افراد باید از سوی دیگران محترم شمرده شود. در حقوق ایران نیز گذشته از اینکه اغلب حقوقدانان قائل به جواز جبران خسارت معنوی هستند. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۷)

تعدادی از صاحب نظران در این زمینه شدیداً با صدق عنوان ضرر بر خسارت های معنوی و یا قابلیت و امکان جبران آن مخالف بوده و معتقدند که طبیعت خسارتهای معنوی به گونه ای است که به هیچ وجه قابل جبران نیست. (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۵۹)

عده ای از دانشمندان علم حقوق نیز بر این نظر بودند که از دیدگاه نظری امکان جبران رنج و الم احساس شده و یا حیثیت برباد رفته وجود ندارد؛ چون اینگونه امور قابل تقویم به پول نیست. عده ای دیگر گویند: حتی تقویم آن به پول، ممکن است نوعی اهانت به

شخصیت کسی که آنرا تحمل کرده تلقی گردد. از دیدگاه عملی نیز برآورد خسارت معنوی با مشکلاتی همراه است. چون در عمل، قاضی میزان ضرر و زیان را بر مبنای تقصیر مرتکب تعیین می کند، در حالیکه مسؤلیت مدنی فقط هنگامی عادلانه تلقی میگردد که صرفاً بر مبنای خسارت واقعی به زیان دیده تقویم، شده باشد. (سنهوری، ۱۹۹۸: ۸۸۶)



اولین همایش ملی
ارتقاء نظام مسؤولیت مدنی در حقوق ایران؛
جالشها و راهکارها
۱۳۹۷ د ۲۱۵



اما با گذشت زمان، تحولاتی در این زمینه ایجاد شده است، به طوریکه اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان اعم از داخلی و خارجی امروزه به ضرورت جبران هر نوع ضرر و زیان معنوی معتقدند و در مقام رد دلایل مخالفان اظهار می دارند: اول، پرداخت مبلغی پول، یگانه راه ترمیم خسارت وارد شده به متضرر نیست و اغلب قانونگذاران طرق جبرانی دیگری را نیز مدنظر قرار داده اند. دوم، هدف از جبران زیان الزاماً اعاده به وضع سابق نیست، بلکه آنچه باید مورد توجه قرار گیرد پیدا کردن راهی است برای تسکین آلام و تأمین خرسندیه ای معنوی و ترضیه ی خاطر زیان دیده و بدون تردید، پرداخت مبلغی پول به زیان دیده راه دستیابی به این اهداف را هموار می سازد. (آخوندی، ۱۳۷۶: ۲۴۲)

دکتر کاتوزیان در این خصوص می گوید: «همانگونه که با پول در امور مادی می توان معادلی برای مال تلف شده پیدا کرد، تأمین خرسندی های معنوی نیز امکان دارد. این خرسندی ها قادر نیست اندوه و تأثر عاطفی را از بین ببرد، ولی همین اندازه که آلام روحی را تسکین دهد کافی است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۵۰)

شاید بتوان گفت: «تخصیص مقداری پول برای کسیکه دردهایی را تحمل می کند مانند کسی که چهره ی زیبای او زشت شده، به او اجازه می دهد که مثلاً به پزشک ماهری مراجعه کند تا او را تسکین دهد و در حد امکان در رفع نقص بکوشد. لازمه ی ترمیم یک زیان، همیشه آن نیست آنچه را که منهدم شده از نو بنا کنند، بلکه اغلب آن است که به زیان دیده امکان داده شود تا معادل آنچه را که از دست داده به دست آورد و از این طریق رضایت خاطرش فراهم شود.» (فقیه نجحیری، ۱۳۵۱: ۸۶)

به هر حال امروزه تئوری جبران خسارت معنوی به طور گسترده ای تکامل یافته و مقرراتی در خصوص آن پیش بینی شده است. با وضع ماده ی ۹ قانون آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید، ضرر و زیان معنوی و قابل جبران بودن آن، به طور صریح مورد نظر قانونگذار قرار گرفت و پس از تصویب قانون مسؤولیت مدنی قواعد مربوطه توسعه ی بیشتری یافت.

قانونگذار در مواد ۱، ۲، ۸، ۱۰، ۱۱، این قانون، به طور کلی امکان مطالبه ی ضرر و زیان معنوی را مورد تأیید قرار داده است، به عنوان مثال در ماده ی ۱ قانون مذکور مقرر می دارد: هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه ی بی احتیاطی به جان و ... یا به هر حق دیگر ... لطمه وارد نماید که موجب ضرر و زیان مادی و معنوی شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.

متوقف شدن کار یا کنار گذاشتن وسیله ای که موجب آسیب و ضرر می باشد، ناظر به از میان بردن منبع ضرر است که از ایجاد ضررهای آینده جلوگیری می کند؛ به عنوان مثال: کارگری که در حین انجام وظیفه از وسایلی استفاده می کند که موجب ضرر رساندن به افراد ثالث می شود، یا صنعتگری که از وسایل فرسوده و غیر قابل تعمیر استفاده می کند، باید آن ابزار و وسایل را کنار گذاشته، کار با آنها را متوقف سازند و ضررهای گذشته نیز جبران شود. در ایندو مورد که به عنوان نمونه ذکر شد، باقی گذاردن منبع ضرر، موجب ایجاد ضرر در آینده است، امری که در حدیث لاضرر از آن نفی شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۵۲)

بنابراین از بین بردن ریشه ی ضرر ناظر به آینده است و از ضررهای آینده پیشگیری می کند. ولی ضررهایی که در گذشته نیز وارد شده باید جبران گردد. البته جبران آنها به گونهای که وضع زیان دیده به صورت پیشین خود برگردد، ممکن نیست، زیرا زمان به گذشته

بر نمی گردد، ناگزیر باید تا جاییکه عرف لازم می داند ضرر جبران شود. به عنوان مثال نه تنها تعطیل کردن کارخانه ی غیر استاندارد، توقیف اتومبیل های دودزا، جمع آوری محصولات زینبار، جلوگیری و متوقف کردن عمل کارگر که موجب زیان به ثالث میشود، الزام به عذرخواهی و قلع بنای نامتعارف، برای از بین بردن منبع ضرر لازم است، بلکه باید زیان هایی که تا زمان اجرای حکم به زیان دیده وارد شده است نیز جبران گردد. (ماده ی ۸ قانون مسؤولیت مدنی)

11 در ماده ی 10 طرأان و نهم زم قمر رشده: همسریک به حیثیت و اعبار اتشخص یی انا و لگی اولطمه وارد می شود، می توند اکر سیکه لطمه وارد آورده جبران ضرر و زیان مادی و معنوی خود رلبخواه. هرگاه ا هیت زیان و نوتحق صریحی رای ج اینم ای د، داگاه می توند در صورت ثب اتق صریح، علاو بر ص دور ک مبه خسارت مالی، حکم بوقف زیان از طریق فیکر از قبال از اجه عنرخواهی و درج حکم در جرطد و افعال آنم ای د.»

وضعیت زیان‌دیده در شیوه‌ی جبران خسارت معنوی

روش جبران خسارت باید متناسب با ضرری باشد که به زیان‌دیده وارد شده است. از سوی دیگر باید بین روش جبران و ضرر وارده سنخیت عرفی برقرار باشد. در نتیجه روش جبران هر خسارتی با توجه به متعلق آن، متفاوت خواهد بود. (قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۶۱)

روشهای جبران خسارت معنوی به دو گروه اصلی جبرانهای مالی و غیرمالی تقسیم می‌شوند. جبران مالی در اکثریت قریب به اتفاق موارد، مبلغی پول است که این مبلغ، گاه فقط جهت رضایت خاطر زیان‌دیده پرداخت می‌شود. اما در جبرانهای غیر مالی از روشهای متعددی استفاده می‌شود. مثل حالتی که معلم از شاگرد خود در سر کلاس عذرخواهی می‌کند و نظیر انتشار حکم محکومیت فاعل زیان، الزام به عذرخواهی در جراید، توقف کار زینبار و از بین بردن منبع زیان (مدنی، ۱۳۷۶: ۳۸۱)

در حقوق ایران، قانونگذار انواع روشهای جبران، اعم از مالی و غیر مالی را جهت جبران ضرر معنوی پیش بینی نموده است. به عنوان یک قاعده‌ی کلی در ماده ۳ قانون مسؤلیت بیان شده است.^{۱۲}

همانطور که ملاحظه می‌شود، جبران مالی و غیر مالی توأم با یکدیگر، قابل حکم هستند. مثلاً کارگری در حین انجام وظیفه، به صورت شخص ثالثی آسیب وارد کند که سبب زشتی صورت او شود و مستلزم درمان با هزینه‌ی بالایی شود، در اینصورت هم جبران مالی و هم غیرمالی محقق شده است.

دکتر امامی می‌نویسد: چون لطمه به حیثیت، درد و آلام روحی از اموال نمی‌باشد تا بتوان بهوسیله‌ی پول آنرا تقویم نمود، لذا قوانین بعضی از کشورها اجازه‌ی مطالبه‌ی خسارت نسبت به آنرا نداده‌اند. ولی چون محکومیت زیان‌دیده به پرداخت مبلغی موجب تشفی و تسکین خاطر زیان‌دیده می‌گردد و تنبیه مرتکب را نیز در بردارد، منطق اجتماعی آن را می‌پذیرد. (امامی، ۱۳۷۸: ۵۷۸)

اما در خصوص بعضی از اقسام ضرر معنوی امکان جبران از طریق غیر پولی و غیر مالی وجود ندارد، نظیر دردهای جسمانی، آلام روحی و ترس. حال اگر جبران مالی نیز برای آنها در نظر گرفته نشود بدون جبران باقی خواهند ماند و بدیهی است که این امر قابل قبول نمی‌باشد؛ زیرا منطقی نیست که مفهومی از ضرر پذیرفته شود لکن جبران خاصی برای آن در نظر گرفته نشود؛ چون در اینصورت ضرر دیگری ایجاد می‌شود. از این رو علاوه بر جبران مادی یعنی پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده، قانونگذاران راه‌های دیگری را نیز برای جبران خسارت معنوی مورد توجه قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به الزام مرتکب فعل زینبار به ارائه‌ی مراتب اعتذار خود و یا درج حکم در مطبوعات اشاره کرد. در برخی موارد نیز زیان‌دیده در دادخواست تقدیمی، پرداخت ضرر و زیان معنوی را به سود یکی از انجمن‌های خیریه، مورد تقاضا قرار می‌دهد. به همین دلیل درباره‌ی تقویم خسارات معنوی به امور مالی، تصریحی در قانون مسؤلیت مدنی دیده نمی‌شود و در عین حال در این مورد معنی نیز در این قانون ذکر نشده است. آنچه که قانون مسؤلیت مدنی در مواد مختلف بر آن تاکید می‌ورزد، لزوم جبران خسارت اعم از معنوی و مادی است. (پیلور، ۱۳۸۳: ۸۵)

نتیجه‌گیری

۱- رضایت زیان‌دیده در فرض مقصر نبودن پزشک و مشروع بودن عمل، از مصادیق اقدام می‌تواند تلقی شود گر چه در قانون به آن تصریح نشده باشد؛ اما نقش زیان‌دیده در خصوص صدمات بدنی در مورد جراحی زیبایی غیر ضروری، از حیث پذیرش ریسک و رضایت زیان‌دیده به اقدامات جراحی، که اساساً جراحی پزشکی اطلاق نمی‌شود، از مصادیق اقدام نمی‌تواند محسوب گردد و تأثیری در معافیت یا کاهش مسؤلیت جراح اقدام‌کننده، از حیث جبران خسارت وارده نخواهد داشت. (با این وجود هنوز هم محل اختلاف است)

¹² «داگام‌یزان زیان و ربطی‌کوی‌فی‌تج‌بران‌آر‌لب‌ت‌وج‌به‌اوضاع‌واح‌والق‌ضی‌مت‌عین‌خوا‌ه‌ن‌کرد...»



۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسؤلیت مدنی پزشک را مبتنی بر تقصیر می داند، با این تفاوت که، تقصیر پزشک مفروض دانسته شده و خلاف آن قابل اثبات است. البته با اثبات عدم تقصیر متوجه پزشک است؛ اما اگر پزشک برائت اخذ کرده باشد ظاهراً اثبات تقصیر وی متوجه زیان دیده است؛ به همین لحاظ از قوانین مترقی در این زمینه به نظر می رسد، چرا که؛ پزشک هم جرأت و شهامت معالجه و اقدامات جراحی طبی و اقدام به درمان بیماریهای سخت و صعب العلاج را پیدا می نماید و باعث پیشرفت علم پزشکی می شود و از طرفی همچنین بار اثبات عدم تقصیر را متوجه پزشک نموده و زیان دیده در خصوص صدمات بدنی مجبور به اثبات تقصیر پزشک نمی باشد و زیان دیده نیاز به اثبات تقصیر نخواهد داشت. در نظام حقوقی مسؤلیت مدنی در مقوله تعدد اسباب میزان تاثیر در توزیع مسؤلیت ملاک عمل می باشد، در صورت عدم امکان ارزیابی میزان تاثیر هر یک از اسباب فرض تساوی، می تواند ملاک عمل قرار گیرد؛ تا به صرف عدم امکان ارزیابی میزان تاثیر هر یک از اسباب، در بروز صدمات بدنی موجب اطاله دادرسی و یا عدم صدور بموقع احکام نگردد.

۳- شرط تأثیر اقدام زیان دیده بر مسؤلیت عامل زیان، علاوه بر رابطه سببیت، اینست که عامل زیان عمد نداشته باشد و اقدام او محرک و باعث اقدام زیان دیده نباشد. اما در حقوق اسلام و ایران، تقصیر زیان دیده شرط تأثیر اقدام او بر مسؤلیت عامل زیان نیست. در فقه، تجزیه و تقسیم مسؤلیت پذیرفته شده است و «اقدام» زیان دیده در ورود زیان به خود، لزوماً او را به طور کامل از دریافت خسارت محروم نمی کند. بلکه در هر مورد بررسی می شود که آیا زیان ایجاد شده، به لحاظ عرفی، منتسب به عامل زیان، یا زیان دیده، یا هر دوی آن است؛ و اگر زیان ایجاد شده را منتسب به هر دو بدانند حکم به تقسیم مسؤلیت بین آن دو می نمایند.

۴- شرط برائت، به شرط رعایت مقررات و احتیاط های لازم از سوی پزشک، جز در موارد نامشروع، مانند خسارت های عمدی و در حکم عمد، خسارت مالی را از بین می برد و بیمار نمی تواند به هنگام بروز زیان، خسارت مالی (دیه) را مطالبه کند و یا به خاطر از دست دادن فرصت درمان و یا محروم شدن از موقعیت شغلی آینده، خسارتی بخواند. نتیجه ی احراز مسؤلیت پزشک، جبران خسارت است؛ که گاه در قالب پرداخت دیه و گاه در قالب پرداخت ارش نمود پیدا می کند. در قوانین فعلی با توجه به اینکه پرداخت

خسارت از ناحیه پزشک بیشتر در قالب دیه متبلور می شود و مطابق سیستم حقوقی کشور ما، امر دیه یک نوع مجازات تلقی و در قالب قوانین کیفری آمده است، قوانین مدنی معین و مشخصی مرتبط با امور پزشکی وجود ندارد. در آن بخش از مسؤلیت پزشک که بحث دیه مطرح باشد، مطابق قانون مجازات اسلامی تعیین تکلیف می گردد و خسارات خارج از بحث دیه مثل هزینه های زاید درمان که به بیمار تحمیل شده است مطابق عموماً و قواعد کلی مسؤلیت مدنی اظهار نظر می شود.

۵- جبران خسارت زیان دیده ممکن است به دو صورت انجام پذیرد؛ ممکن است که وضع زیان دیده به وضع پیشین خود برگردد. به این معنی که ضرر وارد شده به گونه ای جبران شود که گویی از قبل زیانی وارد نیامده است یا جبران خسارت از راه دادن معادل انجام گیرد. بدین گونه که چون اعاده ی وضع به صورت پیشین امکان ندارد، ارزش معادل آنچه که از دست رفته به دارایی زیان دیده افزوده می شود.

۶- در تمام مواردی که حادثه ای رخ می دهد و خسارتی به بار می آید، امکان تغییر میزان خسارت تا روز صدور حکم یا اجرای حکم وجود دارد. خسارت بدنی در حقوق ایران به صورت غالب در قالب دیه جبران می گردند و دیه نوعی دین به ارزش است. بنابراین در صورت کاهش قدرت خرید آن، این کاهش تا لحظه ی پرداخت در آن لحاظ می گردد و پزشک در هر حالت باید دیه را به نرخ روز پرداخت کند. پزشک مسئول فعل زبردستان خویش است. البته اگر پزشکی پرستار را به وظایف خود در مورد بیمار خاص آگاه کند و پرستار در انجام تعلیمات مرتکب خطا شود، پرستار به تنهایی در مقابل بیمار مسئول است. همین طور پزشک، مسئول عمل والدین یا اقارب بیمار که تعلیمات پزشکی در علاج بیمار را بکار می برند و دچار خطا می شوند، نمی باشد؛ به شرطی که تعلیمات پزشکی صحیح بوده باشد.



پیشنهادات

۱- پیشرفت های علم پزشکی سبب شده بسیاری از امراض و صدمات که تا مدتی پیش غیرقابل علاج و بازگشت می نمود، قابل ترمیم و بهبودی شود. اما هزینه ی استفاده از این امکانات نوین پزشکی هزینه های قابل توجهی را بر بیمار تحمیل میکند که در بعضی موارد از اصل دیه تعیین شده افزون است. بنابراین شایسته است که مقنن با در نظر گرفتن این مهم، همراه با پیشرفت علوم پزشکی، تغییر و تحولی مطبوع در راستای میزان جبران خسارت (دیه)، در قوانین لحاظ نماید تا ضرری بدون جبران باقی نماند.

۲- چنانچه زیان دیده به صور مختلف با اقدام خود در وقوع خسارت و صدمه بدنی وارد بر خویش دخالت داشته باشد این وضعیت باعث می شود که او از جبران تمام یا بخشی از خسارت ایجاد شده محروم گردد؛ بدیهی است که چنانچه اقدام زیان دیده ناشی از تقصیر فاعل فعل زیان بار باشد فاعل فعل زیان بار مسئول جبران کلیه خسارت خواهد بود و اقدام زیان دیده تأثیر در کاهش یا معافیت وی ندارد و عامل زیان مسؤول جبران تمامی خسارات وارده بر زیان دیده است؛ هر چند تقسیم و توزیع مسؤولیت فیما بین زیان دیده و فاعل فعل زیان بار، صرف نظر از تفاوت در میزان تأثیر و نیز درجه ی تقصیر آنها بصورت تساوی مورد نظر در نظام تقنینی ایران می باشد اما بهتر است، با توجه به پیشرفت علوم و فنون، برحسب مورد امکان سنجش میزان تأثیر و نیز درجه تقصیر (در مواردی که تقصیر شرط است) در تقسیم و نوع مسؤولیت، در نظر گرفته شود.

فهرست منابع و مآخذ

- آخوندی، محمود، (۱۳۷۲)، آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، جلد اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امامی، سید حسن، (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- انصاری، مسعود (۱۳۸۴)، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: نشر میزان.
- انیان، علیرضا (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، قلمرو مسؤولیت مدنی، تهران: نشر ادبستان.
- ادریس، احمد، (۱۳۷۲)، عوض دیه، ترجمه: علیرضا فیض، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پروین، فرهاد (۱۳۸۲)، خسارات معنوی در حقوق ایران، تهران: نشر ققنوس.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر گنج.
- جنیدی، لعیا (۱۳۸۱)، آزادی اندیشه و بیان، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- جناتی، محمدابراهیم، (۱۳۸۵)، فقه و زمان، قم، نشر ایثارگران اندیشه دینی.
- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۷)، مسؤولیت مدنی، تهران: نشر مجد.
- حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۸۷)، جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، پژوهشگاه فقه و حقوق.



اولین همایش ملی
ارتقاء نظام مسؤولیت مدنی در حقوق ایران؛
چالشها و راهکارها
۱۳۹۷ د ۲۱۵



- دمیرچی، محمد، (۱۳۷۹)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میثاق.
- رنه داوید (۱۳۷۸)، نظامهای بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی، تهران: نشر مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- رشیدیه، هرمز، (۱۳۹۰)، فرهنگ تشریحی کاربردی حقوق، جلد دوم، تهران: انتشارات نوربخش.
- زرکلام، ستار، (۱۳۸۸)، حقوق مالکیت معنوی، تهران، نشر میزان.
- سلطانی نژاد، هدایت الله (۱۳۸۰)، مسؤولیت مدنی خسارات معنوی، تهران: نشر نورالثقلین.
- سنهوری، احمد (۱۹۹۸)، الوسیط، لبنان: نشر بیروت.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات حقوقی، تهران: نشر حقوقدان.
- صفایی، سید حسین (۱۳۷۵)، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان.
- _____ (۱۳۸۴)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران: نشر میزان.
- عمید، محمدرضا (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی عمید.
- عباسلو، بختیار، (۱۳۸۶)، مسؤولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، ج ۱، تهران، نشر میزان.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی، تهران: نشر میزان.
- غمامی، مجید (۱۳۸۳)، قابلیت پیش بینی ضرر در مسؤولیت مدنی، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- فقیه نججیری، حسن، (۱۳۵۱)، دعوی خصوصی در دادگاه جزا، تهران.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۷۸)، مبانی مسؤولیت مدنی، تهران: نشر دادگستر.
- _____ (۱۳۸۸)، الزامها و مسؤولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- قاسمی، محسن، (۱۳۸۶)، اندیشه هایی در حقوق اسلامی، تهران: نشر موسسه انتشارات دارالعلم.
- قهرمانی، نصراله (۱۳۷۷)، مسؤولیت مدنی و کیل دادگستری، تهران: نشر گندم.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، حقوق مسؤولیت مدنی الزامهای خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه.
- _____ (۱۳۷۴)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: نشر برنا.



اولین همایش ملی
ارتقاء نظام مسؤولیت مدنی در حقوق ایران؛
چالشها و راهکارها
۱۳۹۷ د ۲۱۵



- _____ . (۱۳۷۷) ، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی ، تهران: نشر دادگستر .
 - کریمی، عباس، (۱۳۸۶) ، مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در خصوص حق و موضوع سوء استفاده ...، نکوداشت دکتر حسین صفایی، انتشارات سمت.
 - محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۰)، قواعد فقه، بخش مدنی ۱، تهران: انتشارات سمت.
 - مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۷۶)، حقوق اساسی، تهران: انتشارات سروش.
- ب: منابع عربی**
- حر العاملی، شیخ محمد بن حسن، (۱۳۰۴ هـ ق)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، چاپ پنجم، ج ۱۸، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
 - حسینی العاملی، (۱۳۸۵)، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعدالعلامه، جلدششم، مؤسسه آل البیت.
 - حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، (۱۳۸۹ هـ ق)، شرایع الاسلام، جلد چهارم، چاپ اول، نجف: مطبعه الادب.
 - حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۳ هـ ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی.
 - موسوی الخمینی، سید روح الله، (بی تا)، ترجمه تحریر الوسیله، جلد ۴، انتشارات اسلامیة تهران.
 - نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۳۷۲)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳۷، بیروت.
 - النبراوی، خدیجه، (۲۰۰۸)، موسعه حقوق الانسان فی الاسلام، داراسلام، القاهره، لطباعه و النشر و التوزیع.

ج : مقالات

- اشرف زاده فرسنگی، مریم، (۱۳۹۷)، مطالبه حسارت مادی بیمار در صورت قصور پزشک، فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار، دوره اول ، شماره ۱.
- عبدالله نژاد، معصومه، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر رضایت بیمار در ضمان پزشک در حقوق ایران و لبنان، مجله مطالعات حقوق اجتماعی، دوره سوم، شماره ۳.
- طاهری، حبیب ا...، (۱۳۷۸)، آیا پزشک ضامن است؟، مجله دادرسی ، شماره ۱۳ .
- کاظمی، محمود، (۱۳۹۰)، اثر فعل زیان دیده بر مسؤولیت مدنی عامل زیان، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) شماره ۱۱.



اولین همایش ملی
ارتقاء نظام مسؤولیت مدنی در حقوق ایران؛
چالشها و راهکارها
۱۳۹۷ در ۲۱۵



— قاسمی، محسن، (۱۳۸۹)، نقش قابل پیش بینی خسارت در مسؤولیت مدنی قراردادی و قهری، فصلنامه دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، شماره ۵.

— نیک فرجام، زهره، (۱۳۹۲)، جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، فصلنامه مبانی فقهی و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۱.

د: پایان نامه ها

— اسماعیل آبادی، علیرضا (۱۳۸۲)، شرط برائت در قرارداد پزشک با بیمار، کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه مفید.

— احمدی، منصور، (۱۳۸۷)، شرط عدم مسؤولیت در امور پزشکی با تکیه بر رویه قضایی، کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی نراق.

— پیلوار، رحیم، (۱۳۸۳)، نقش تقصیر زیان دیده در دعوی مسؤولیت مدنی، کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.

— علم باز، جواد، (۱۳۹۲)، نقش زیان دیده نسبت به مسؤولیت مدنی فاعل فعل زیانبار در صدمات بدنی، کارشناس ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

— مهدیزاده گوهری، امین، (۱۳۹۵)، « جایگاه بیمه و نقش آن در جبران خسارت»، کارشناسی ارشد، حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.